

خبرنامه کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران

## پرونده میکونوس

روز سه شنبه ۱۲ نوامبر، دادستان آلمان در دادگاه میکونوس طی قرائت کیفرخواست خود صراحتاً مقامات بالای ایران را متهم به صدور دستور قتل چهار شخصیت کرد ایرانی کرد. رادیوی بین المللی فرانسه به همین مناسبت با آقای کامبیز روستا که خود از اول جریان این پرونده را دنبال کرده است مصاحبه ای انجام داد که بخاطر اهمیت موضوع متن این مصاحبه را ذیلاً درج می نمایم:

س. آقای کامبیز روستا شما در این جلسه شرکت داشتید ادعای نامه دادستان حاوی چه نکاتی بود دقیقاً؟

ج. دادستان آلمان مقدمه ای را برای آغاز بررسی همه جانبه مسئله میکونوس به دادگاه عرضه کرد در این مقدمه این نکات مهم را بازگفت.

نکته ی یکم، قتل چهار تن از افراد اپوزیسیون مستقیماً از طرف مقامات رسمی حکومت ایران صادر شده افرادی که در این دستور شرکت داشتند عبارت بودند از: خامنه ای، رفسنجانی، فلاحیان نماینده سپاه پاسداران و نماینده روحانیان. نکته ی دوم، اینها افرادی را به برلین فرستادند رهبری این دسته با شخصی به اسم سید هاشمی با نام مستعار شریف بوده او خود در اکسیون ترور این چهار تن از اعضای اپوزیسیون شرکت داشت.

نکته ی سوم، اینها کسی را در میان افرادی که آتش در آنجا حاضر بودند داشتند، یعنی جاسوس قبل از اینها در تماس بوده و زمان جمع شدن عده ای را با افراد حزب دموکرات اطلاع داده بهمین دلیل سه روز پیش شریف و دارابی و یک تیم از ایران به دقت مسائل چگونگی اکسیون را برنامه ریزی کرده بودند.

نکته ی چهارم اینکه در پیش از عملیات کاظم دارابی عضو سپاه پاسداران، عضو واوک، سازمان جاسوسی ایران تمام مقدمات کار و زندگی افرادی را که در عملیات شرکت داشتند آماده کرده بود.

نکته ی پنجم اینکه این اکسیون بطور مستقیم بعنوان

عمل تروریسم دولتی جمهوری اسلامی در (کیفرخواست) دادستان قلمداد شده است.

س. پیامدهای قضائی و سیاسی این ادعای نامه چه خواهد بود؟

ج. اجازه دهید روز جمعه بقیه کیفرخواست دادستان خوانده شود خواهید دید اگر قاضی دادگاه این کیفرخواست را قبول نکند (چون در روزهای هفته های آخر دادگاه وکلای مدافع متهمین تقریباً هیچ چیز نگفتند و تسلیم بودند. اگر قاضی دادگاه این کیفرخواست را در نکات اصلی آن قبول کند، بنابراین هیچ راهی برای وزارت امور خارجه آلمان و دفتر نخست وزیری آلمان نخواهد ماند که روابطش را با جمهوری اسلامی را کد بگذارد.

س. در یک جمع مطبوعاتی آقای واعظی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفتند که حکم جلب آقای فلاحیان هیچ وقت بعنوان مدرک واقعی بدست وزارت خارجه جمهوری اسلامی نرسیده بنابراین این نکاتی که در ادعای نامه دادستان هست چه صورت عملی بخود خواهد گرفت.

ج. بطور دقیق بشما بگویم اولاً وقتی یک کشوری حکم دستگیری و جلب یک عنصر را می دهد این را به هیچ کشوری ابلاغ نمی کند بلکه این را به مقامات قضائی جنائی کشور خودشان و کشورهایی که با آنها قرارداد دارند می دهند بعنوان مثال قرارداد جلب فلاحیان به اینترل ابلاغ می شود.

بدنبال انتشار خبر به پایان رسیدن مراحل دادرسی پیرامون پرونده میکونوس و قرائت کیفرخواست دادستانی که طی آن مقامات بالای جمهوری اسلامی از جمله علی خامنه ای و رفسنجانی را بعنوان مسئولین صدور دستور کشتار میکونوس معرفی می کند. دولت ایران برای جلوگیری از صدور حکم محکومیت متهمان حاضر و غایب یعنی کل دستگاه حاکمه ایران و بالاترین مقامات آن با اضافه متهمین حاضر در دادگاه تلاش های وسیعی را شروع کرده است. از جمله روز شنبه ۱۶ نوامبر یک تظاهرات فرمایشی گسترده و خشم گینانه در مقابل سفارت آلمان در تهران توسط حزب الله تشکیل شد و خواستار قطع رابطه با دولت آلمان شدند. روز یکشنبه

نیز ۲۰۰ نفر از اعضای مجلس حکومتی طی نامه ای از دولت خواستند تا در رابطه خود با آلمان بخاطر آنکه دادگاه میکونوس به تریبون "حمله" علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است تجدید نظر کنند.

## گفتگو با پرویز دستمالچی

مصاحبه بخش فارسی رادیوی بین المللی فرانسه با پرویز دستمالچی که در جریان سوء قصد علیه رهبران کرد در برلین حضور داشته و مذاکرات دادگاه میکونوس را از نزدیک دنبال کرده است. این مصاحبه در تاریخ جمعه ۱۵ نوامبر صورت گرفته است. س: قرائت کیفرخواست دادستان فدرال آلمان در دادگاه برلین امروز، درخواست مجازات حبس ابد برای متهمان ردیف اول و دوم بطور عمده پایان گرفت. آقای پرویز دستمالچی شما در جلسه دادگاه امروز حاضر بودید پس از پایان قرائت کیفرخواست در دادگاه چه گذشت؟

ج: بله من امروز صبح آنجا بودم جلسه تا ساعت یک بعد از ظهر طول کشید آخر کیفرخواست دادستانی امروز از طرف خودش و دستیارش قرائت شد. در پایان دادستانی برای آقای کاظم دارابی و عباس رائل تقاضای حبس ابد کرد. کاظم دارابی و عباس رائل و یوسف امین اینها متهمین ردیف اول هستند. برای یوسف امین تقاضای ۱۱ سال. از این ۲ نفر کاظم دارابی رئیس عملیات بوده، طبق ادعای نامه دادستانی مأمور سازمان اطلاعات و امنیت ایران و عضو سپاه پاسداران است و کسی است که تیمی را که از ایران برای ترور به برلین آمده بود در واقع با کاظم دارابی در برلین تماس داشتند در خانه او جا داشتند و خانه های تیمی برایشان تهیه کرده. عباس رائل کسی است که تیر خلاص را به زده. اسلحه ای را که به کار برده طبق گفته دادستانی یک «لاماسوسیال» است که در سال ۱۹۷۲ از طرف اسپانیا به دولت، ارتش شاهنشاهی وقت ایران آن موقع فروخته شده بوده. صداخفه کنی را که بکار برده، صداخفه کنی است که عین همان در رابطه با قتل غلام کشاورز آقای محمدی خلبان سابق رفسنجانی که در هامبورگ به قتل رسید، صداخفه کن ها همان به اضافه این که کلتی را که در قتل غلام کشاورز به

کار برده شده است در همان از «لاماسوسیال» است که از اسپانیا به ارتش ایران تحویل داده شده طبق گفته دادستانی یوسف امین و عباس رانل هر جفتشان در سال در شمال ایران در اطراف شهر رشت در یکی از آموزشگاه های نظامی سپاه پاسداران تعلیمات تروریستی دیده اند و یکی شان متخصص غواصی و دیگری متخصص حمل اسلحه است.

س : متهمان چه دفاعی از خودشان کرده اند ؟ در طول دادگاه و امروز بعد از قرانت کیفرخواست. ج : بطور عجیب این است که در ۲ جلسه ای که روز سه شنبه، پنج شنبه و جمعه انجام گرفت دادستانی که کیفرخواست را می خواند برخلاف همیشه که متهمین شلوغ می کردند و بویژه کاظم دارابی که بسیار شلوغ می کرد در این ۲ روز همه این ها کاملا ساکت بودند و هنوز نوبت به دفاعیات وکلای مدافع متهمین و همچنین وکلای مدافع مقتولین نرسیده، هفته آینده دومرتبه دادگاه کارش ادامه دارد. این دادگاه تا اواسط ژانویه ادامه خواهد داشت چون بعد از کیفرخواست پایانی دادستانی نوبت وکلای متهمین خواهد رسید و بعد نوبت وکلای مقتولین خواهد رسید. بعد از آن دادگاه وارد رأی می شود و حدوداً اواسط ژانویه سال آینده رأیش را صادر خواهد کرد.

س : وکلای مدافع چه ملیتی دارند ؟

ج : آلمانی هستند همه آلمانی هستند.

س : دولت جمهوری اسلامی ایران واکنش شدیدی نسبت به اظهارات دادستان آلمان نشان داده و تهدید کرده که شکایت خواهد کرد از دادستان و همچنین پرونده فروش اسلحه شیمیایی به عراق توسط آلمان را در طول جنگ ۸ ساله بار دیگر به جریان خواهد انداخت. مقامات آلمان چه واکنشی نسبت به این تهدیدها از خودشان نشان داده اند ؟

ج : مقامات آلمانی، یکی مقامات قضائی آلمانی هستند و یکی هم مقامات قوه اجرائیه دولت آلمان، قوه اجرائیه آلمان از طریق وزیر امور امنیت، اشمیت باور و از طریق وزیر امور خارجه آقای کینکل همواره تلاش کرده بودند که تا آن جانی که می توانستند روی دادگاه میکونوس تأثیر بگذارند و نام ایران در این جا آورده نشود. اما قوه قضائیه است، دادستانی مستقل است، دادستانی فکر می کنم آنقدر اعتماد به نفس دارد و آنقدر اسناد و مدارک دارد که از این تهدیدهایی را که دولت ایران انجام می دهد نمی ترسد با اضافه اینکه این تهدیدهایی را که دولت ایران می کند مبنی بر فروش شرکت هائی را که مواد شیمیائی به دولت عراق فروخته اند و باعث

کشته شدن هزاران جوان ایرانی شده اند مربوط به شرکت های آلمانی است. دولت ایران می تواند انجام بدهد. اما این سوال مطرح است که چرا این همه دولت ایران صبر کرده، سکوت کرده و الآن که می خواهد با این جلوی دادگاه را بگیرد فشار می آورد درواقع این را بعنوان ابزار فشار به روی دولت آلمان علم کرده. من فکر می کنم که اگر دولت ایران بخواهد که از دادستانی کل آلمان که ادعا می کند شکایت بکند می بایست به مراجع بین المللی عین دادگاه لاهه شکایت بکند فکر می کنم رژیم ایران این يك کارزار تبلیغاتی است چنین کاری را نخواهد کرد. چون می داند که مجموعه پرونده ترور میکونوس و باضافه ترورهای دیگر آن دادستانی آلمان قادر است که این ها را در برابر دادگاه لاهه به اثبات برساند و مجموعه این جریان منتهی به این خواهد شد که مسئله ایران و تروریسم ایران باز هم به مراتب و با شدت بیشتری مطرح شود و به محکومیت ایران بیانجامد.

س : این دادگاه بخصوص این جلسات اخیر چه انعکاسی در رسانه های آلمان داشته ؟

ج : انعکاس بسیار وسیع بوده بخصوص قسمتی را که دادستانی آلمان در رابطه با نقش ایران در ترور میکونوس و ترورهای دیگر صحبت کرد.

**دادگاه فرانسه دو جاسوس رژیم جمهوری اسلامی ایران را به زندان محکوم کرد.**

مجتبی شهری ۲۹ ساله و حسین یزدان ستا ۲۵ ساله از طرف دادگاه فرانسه به ۷ سال و ۲ سال زندان محکوم شدند.

مجتبی شهری متهم به تعقیب و مراقبت، در اختیار گذاشتن آدرس محل سکونت و اطلاعات درباره ی نحوه زندگی ایرانیان مخالف رژیم به جمهوری اسلامی برای سهولت دستیابی به آنان و به قتل رساندنشان است. وی همچنین متهم به مشارکت در قتل سیروس الهی در اکتبر ۱۹۹۰ و نیز مظنون به داشتن رابطه با مقامات بالای رژیم و خصوصاً علی فلاحیان می باشد، در همین رابطه قابل تذکر است که علی فلاحیان از طرف دادگاه آلمان متهم به دخالت مستقیم در برنامه ریزی قتل چهار تن از اعضای اپوزیسیون ایران در سال ۱۹۹۲ در رستوران میکونوس می باشد.

بنا به شهادت های متعدد و گزارش پلیس مراقبت مرزی D.S.T فرانسه، مجتبی شهری همچنین متهم به شرکت در جلسه ای در ۷ نوامبر ۱۹۸۹ در فرودگاه اورلی با حضور علی آهنی سفیر ایران در فرانسه و علی انگیزی رئیس دفتر ایران، ایزر جهت توطئه علیه ایرانیان مخالف رژیم می باشد.

اتهام حسین یزدان ستا متهم دیگر؛ شرکت و همراهی

وی با مجتبی شهری است. بنا به اظهار وی، او شدیداً زیر نفوذ مجتبی شهری بوده است. دو متهم از طرف دادگاه فرانسه به اتهام ترتیب و تنظیم قتل مخالفین رژیم تحت هدایت سرویس مخفی رژیم جمهوری اسلامی ایران محکوم به زندان شده اند.

قابل تذکر است که سرویس کمک رسانی ضد عملیات تروریستی و بمب گذاری فرانسه اعلام داشت که از سال ۱۹۷۹، ۸۲ ایرانی مخالف رژیم در سراسر دنیا به قتل رسیده اند و از بین آنها ۸ نفر در خاک فرانسه بوده است. این تعداد به ۹۷ نفر بالغ شده است ژان لویی بروگی یر قاضی و متخصص تعقیب پرونده های تروریستی پرسش و استنطاق از متهمین را به عهده داشت.

**يك كتاب با دو مجوز انتشار خمير شد**

كتاب «ميعاد با علی» که قرار بود به مناسبت سالگرد مرگ علی شریعتی در سال گذشته منتشر شود پس از یکسال توقیف توسط اداره ارشاد قم، مدتی پیش خمیر شد. بنا به نوشته نشریه ایران فردا، شماره ۲۷. این کتاب حاوی چند مقاله در تحلیل و بزرگداشت یاد شریعتی بود که از سوی عده ای از نویسندگان و با مسئولیت آقای یوسفی اشکوری تهیه گردیده بود. این کتاب يك بار قبل از چاپ و يك بار بعد از چاپ از اداره ارشاد تهران مجوز انتشار گرفته بود اما از آنجا که توسط نشر تفکر در قم چاپ شده بود با مخالفت اداره ارشاد قم مواجه شد و آن اداره دو مجوز اداره ارشاد تهران را نادیده گرفت و حکم بر توقیف و اخیراً خمیر شدن کتاب داد.

**تحويل ۷ عضو حزب دموکرات**

**کردستان ایران به جمهوری اسلامی**

بنا به اطلاعیه (حدکا) هفت تن از فعالین این حزب روز بیستم اکتبر ۹۶ در نزدیکی شهر حلبچه واقع در استان سلیمانیه عراق توسط فردی بنام انور غبی از فرماندهان نظامی جنبش اسلامی کردستان عراق دستگیر و به پاسداران رژیم در شهر پاوه تحویل داده شده اند. در اطلاعیه حزب درباره سرنوشت این افراد اظهار نگرانی می شود و خطاب به محافل بین المللی مدافع حقوق انسان خواستار دخالت برای نجات جان آنها شده است. سامی دستگیرشدگان عبارت است از: ارشد رضائی، محمدعزیز قادری، داریوش اسلام دوست، یونس محمدپور، مظفر کمالی، عدنان اسماعیلی، معروف سهرابی.

**صدور حکم از تعداد علیه مخالفان ولایت فقیه**

بنا به نوشته مجله ایران فردا، شماره ۲۷ آیت الله خزلی طی يك سخنرانی در قم کسانی را که آگاهانه مسئله ولایت فقیه را استبداد می دانند مرتد اعلام

کرده است.

### توربسم دولتی جمهوری اسلامی قربانی تازه ای گرفت

بنا به اطلاعیه صادره توسط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، اقلیت یکی از طرفداران این سازمان به نام علی مولائی در پاکستان به قتل رسیده است. علی مولائی ۵ سال در زندان بود و بعد از آزادی حکم احضار مجدد او توسط دستگاههای اطلاعاتی رژیم صادر شده بود. او به همین دلیل به پاکستان فرار کرده بود و در آنجا از دفتر آوران ملل متحد در اسلام آباد تقاضای پناهندگی کرده بود. او اوایل آبان ماه در اسلام آباد مفقود می شود و بعد از چند روز جسدش در حالی که با ضربات کارد به قتل رسیده است توسط پلیس پاکستان یافته می شود. با توجه به سابقه رژیم در کشتار مخالفان تردیدی نیست که علی مولائی توسط آدمکشان رژیم در پاکستان ربوده و کشته شده است. همچنین سازمان راه کارگر نیز خبر داده است که یکی از طرفدارانش بنام رضا افشار طی هفته اول آبانماه در پاکستان ناپدید شده و از او خبری در دست نیست.

**اعتراض خبرنگاران بدون مرز به دستگیری فرج سرکوهی**  
سازمان خبرنگاران بدون مرز با ارسال نامه ای برای علیمحمد بشارتی وزیر کشور جمهوری اسلامی از او خواسته است که برای روشن شدن سرنوشت سرکوهی که گفته می شود روز ۲ نوامبر قبل از سوار شدن به هواپیما در فرودگاه مهرآباد مفقودالثر شده است وارد عمل گردیده و با استفاده از موقعیت خود در صورتی که فرج در بازداشت بسر می برد ترتیب آزادی فوری وی را بدهد.

**آرنولد شواتزنرگر از اخراج یک پناهجوی ایرانی از اطریش جلوگیری کرد.**

اوایل آبان ماه سال جاری مقامات اطریشی حکم اخراج یک جوان ایرانی را که در وین منتظر ویزای مهاجرت به آمریکا بود به وی ابلاغ کردند. مادر این جوان که در شهر ساتامونیکای آمریکا اقامت دارد برای نجات جان فرزندش دست به دامن آرنولد شواتزنرگر هنرپیشه ی معروف آمریکائی شد، که تصادفاً همزمان برای بازی در یک فیلم در وین بسر می برد. دولت اطریش تقاضای این هنرپیشه را پذیرفت و جوان یاد شده اکنون می تواند تا دریافت ویزای خود به اقامت در وین ادامه دهد.

بدنبال کشف جسد حلق آویز شده ی محمد یوسفی (روانبخش) معاون اسقف کلیسای پروتستان ساری و ادعای رژیم مبنی بر اینکه این کشیش خودکشی کرده است. اکنون خبرهایی مبنی بر قتل این کشیش توسط عاملان اطلاعاتی رژیم انتشار یافته است از جمله نشریه

سریع و همه جانبه ی کلیه ی نیروهای آزادیخواه برای پیشگیری از فاجعه ای که در حال شکل گیری است ضرورت دارد.

کمیته ی ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران

پاریس ۱۷ سپتامبر ۹۶. ۲۷ شهریور ۷۵

ترجمه ی اطلاعیه مطبوعاتی کمیته ایرانی

مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی

ناپدید شدن يك روزنامه نگار ایرانی

در فرودگاه تهران

از آقای فرج سرکوهی روزنامه نگار و سردبیر مجله آدینه و شخصیت بسیار شناخته شده در دنیای روشنفکری و روزنامه نگاری ایران هیچ خبری در دست نیست. وی در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۹۶ به قصد حرکت به آلمان و دیدار خانواده در آلمان وارد فرودگاه مهرآباد تهران شده بود. در آن روز هنگام ورود به هواپیمای شرکت هواپیمائی لوفت هانزا توسط مأمورین امنیتی فرودگاه دستگیر می شوند. بقرار اطلاع در فرودگاه به همراهان آقای سرکوهی اول گفته شده ایشان فردای آتروز چهارم نوامبر بعد از حل چند مسئله اداری در مورد پاسپورتش انجام خواهد گرفت و سپس گفته اند همان روز پرواز کرده است اما از آن روز تا کنون نه خانواده اش در آلمان و نه فامیلش در ایران که به اطلاع رادیویی بین المللی فرانسه (بخش فارسی) رسانده اند هیچ اثری از وی در دست ندارند.

مضافاً اقدامات انجام شده در حاشیه شرکت هواپیمائی لوفت هانزا در آلمان برای بررسی وجود نام آقای سرکوهی در لیست مسافرین روزهای سوم و چهارم نوامبر هیچ نتیجه ای بدست نداده است.

ناپدید شدن آقای فرج سرکوهی موءید نگرانی کمیته ما در این آخرین بولتن ها و اطلاعیه هاست که افکار عمومی جهانی را راجع به خطرات و تهدیدات جدی که بویژه متوجه جان نویسندگان، شعرا، روزنامه نگاران و روشنفکران ایرانی است، در یکساله اخیر بخود جلب می کند.

یادآوری می شود که در ۲۴ اکتبر ۱۹۹۵ جسد آقای میرعلائی مترجم و نویسنده معروف بعد از احضار و بازجوئی توسط مأمورین اطلاعاتی، در اصفهان یافت شده است.

همچنین در ماه اوت گذشته جان ۲۱ نویسنده و روشنفکر ایرانی که در حال حرکت گروهی با یک اتوبوس به منظور شرکت در یک سمینار فرهنگی بودند در معرض تهدید یک مرگ قرار گرفت و جنایت طراحی شده بشکل صحنه سازی حادثه ای در جاده بود و رژیم متهم اصلی این ماجراجوئی است.

و بالاخره هشتم سپتامبر گذشته ۱۲ نویسنده ایرانی که

شهروند طی خبری در شماره ۲۷۵ خود نام دو تن از تروریستهای جمهوری اسلامی را بعنوان قاتلان کشیش یوسفی ذکر کرده است این دو تن عبارتند از: علی اکبر ادب و سید محمد شفیع. در همین خیر اضافه شده است که دستور قتل توسط حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی ساری (شیخ رضا رضائیان) و باتهام ارتداد و بازگشت از اسلام صادر شده است.

به گفته يك منبع موثق تحقیقات انجام شده پیرامون پرونده ترور آقای رضا مظلومان بازپرس دستگاه قضائی فرانسه را بطور قطع متقاعد کرده است که دولت جمهوری اسلامی پشت این ترور وحشیانه قرار دارد. قاضی بروگر مصمم است این پرونده را تا آخر دنبال کند و وصول به نتیجه قانونی برای او يك پرنسیب جدی تلقی می شود.

لازم به تذکر است که با تحویل متهم جیهونی از طرف دادگستری آلمان به دستگاه قضاوت فرانسه پرونده یاد شده به مراحل آخر تکمیلی خود جهت ارائه به دادگاه نزدیک می شود. غیر از (احمد جیهونی) بعنوان کسی که از آشنائی خود با آقای مظلومان قاتل را بی هیچ مانعی به خانه او برده است، مشخصات فردی با نام مستعار ظفرپور، یا مظفرپور نیز بعنوان قاتل اصلی برای دادگستری فرانسه شناخته شده است که بعد از ترور از طریق غیر مستقیم به تهران گریخته است.

### اطلاعیه مطبوعاتی درباره ی

### یورش مأموران امنیتی به جلسه ی

### «جمع مشورتی کانون نویسندگان ایران»

در ساعت ۱۰ شب یکشنبه ۱۸ شهریور ۷۵ برابر با ۸ سپتامبر ۹۶، مأموران امنیتی رژیم ایران به محل جلسه ی «جمع مشورتی کانون نویسندگان ایران»، که این بار در خانه ی آقای منصور کوشان، در تهران، تشکیل شده بود، ریختند و تمام اعضای حاضر در جلسه را دستگیر کرده و به یکی از مراکز خود واقع در اطراف خیابان بیژن (حوالی میدان ونک) بردند و ضمن اهانتها و تهدیدهای مختلف تا ساعت سه صبح روز دوشنبه به بازجوئی از آنان پرداختند و هنگام آزاد ساختن آنها، ضمن تکرار همه ی تهدیدها، هرنوع فعالیت و تجمعی را برای آنان ممنوع اعلام کردند.

این یورش علنی به محل سکونت نویسندگان و در زمان تشکیل جلسه ی آنان، به دنبال فشارها و تضییقات فراوانی است که از حدود دو سال پیش به این طرف رفته رفته شکل گرفته و تشدید شده است.

این یورش حکایت از سیاستی می کند که می تواند نتایج بسیار وخیمی برای جامعه ی روشنفکری ایران داشته باشد. امروز بیش از هر زمان دیگر واکنش

آقای سرکوهی نیز جزء آنان بودند در خانه یکی از همکارانشان دستگیر شده و در یک محل سری مورد سوال و جواب در مورد رابطه شان با یکدیگر قرار گرفتند. ضمناً آقای سرکوهی چند روز جداگانه در توقیف بوده و بقیه افراد زیر تهدیدات مکرر قرار می گیرند.

باتوجه به خصلت تروریستی جمهوری اسلامی ایران به دولت و افکار عمومی فرانسه به سازمانهای بشردوستانه و مدافعین حقوق بشر در جهان و تمام سازمانهای نویسندگان و روزنامه نگاران درباره خطری که جان نویسندگان و روشنفکران آزادیخواه ایرانی را تهدید می کند هشدار می دهیم و از آنها می خواهیم که با مداخله خود برای نجات فرج سرکوهی از جنایت تازه دیگری که از طرف جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده می شود هرچه زودتر جلوگیری به عمل بیاورند.

### یک تذکر و پوزش

به مناسبت برگزاری شب یادمان قتل عام زندانیان سیاسی ایران در سال ۶۷، اخیراً اطلاعیه ای با امضای انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران، کانون نویسندگان ایران در تبعید، کمیته ی ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران منتشر شد. این اطلاعیه بدون اینکه از نظر دوستان جامعه ی دفاع از حقوق بشر بگذرد یافت و این دوستان در اعتراض به این شیوه ی کار و عدم توجه به تذکر آنها مبنی بر ضرورت مشاهده ی متن اطلاعیه قبل از انتشار، همکاری خود را بر برگزاری این مراسم متوقف کردند. مسئولین اجرایی کمیته ی ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی به سهم خود از این پیشامد اظهار تأسف کرده و از دوستان جامعه دفاع از حقوق بشر پوزش می طلبند.

### جمهوری اسلامی بر کرسی اتهام دادگاه برلین (۲۳)

به دلیل تاخیر ناگزیر در شماره جدید «خبرنامه»، در درج گزارش دادگاه برلین از ماه اوت / مرداد تا به حال فاصله افتاده است ضمن پوزش از خوانندگان، درج فشرده گزارشهای دادگاه را ادامه می دهیم.

از جریانات مهم دادگاه، در این فاصله، این بود که روز ۷ اکتبر ۹۶ / ۱۶ مهر ۷۵ دادستان اعلام کرد: شهادی که آقای بنی صدر به عنوان شاهد C به دادگاه معرفی کرده بود حاضر شده است شهادت بدهد به شرط آن که جلسه غیر علنی باشد یعنی بدون حضور تماشاگر و خبرنگار و نیز بدون اعلام هویت شاهد. دادستان تقاضا کرد که دادگاه با این شرایط موافقت کند چون شاهد از مأموران عالیرتبه امنیتی ایران بوده و اکنون جانش به شدت در خطر است.

روز دهم اکتبر رئیس دادگاه اعلام کرد که با شرایط شاهد C موافق است و او امروز در دادگاه حاضر می شود. رئیس دادگاه گفت که به خاطر در خطر بودن جان شاهد؛ نوع شهادت و اطلاعاتی که می دهد؛ حفظ منابع اطلاعاتی و نیز به خاطر حفظ جان خانواده، شاهد، نمایندگان مطبوعات و تماشاگران سالن دادگاه را ترك کنند. بقیه حاضران و حتی متهمین موظف به سکوت در مورد این شاهد هستند.

شهادت (شاهد C) روزهای ۱۰ و ۱۱ اکتبر ادامه داشت اما تمام نشد. روزهای ۱۶ و ۱۷ اکتبر نیز جلسات دادگاه به شنیدن حرفهای این شاهد اختصاص داشت.

در ابتدای جلسه، ۱۶ اکتبر رئیس دادگاه بخشهایی از مطالب هفته نامه اشپیگل ۱۲، ۱۰، ۹۶ را قرائت کرد. به موجب اطلاعات این نشریه، شاهد مدت طولانی جزو مقامات بالای امنیتی ایران بوده، با بسیاری از رهبران سیاسی مهم از جمله ریگان و میتران ملاقات کرده است. او بسیار دقیق و باخبر از جزئیات سازماندهی ترور در خارج از ایران را توضیح داده و گفته که نقش کلیدی در این سازماندهی با علی خامنه ای است و فرمان او «حکم» است. شاهد گفته که هاشمی رفسنجانی و ولایتی نیز ترورها را تصویب می کنند و در مورد ترور میکونوس نیز همینطور بوده و اجرای حکم به عهده علی فلاحیان بوده است.

بنا بر نوشته اشپیگل (شاهد C)، طلبه سابق، از اول انقلاب جزو نزدیکان مسئولان حکومت بوده است. بعد از مدت کمی برای شناسائی مخالفان به خارج از کشور، به فرانسه فرستاده می شود. در دسامبر ۸۲ او را به جرم جاسوسی از فرانسه اخراج کردند و او فعالیتهای خود را در آلمان ادامه داد. بعد به ایران فراخوانده شد و در آنجا در سازماندهی (لواک) همکاری کرد. وقتی بنی صدر در سال ۸۱ به پاریس آمد، (شاهد C) از طرف خمینی مأمور شد با او ملاقات و او را تشویق به بازگشت کند. بعد از این، از طرف رفسنجانی به سونیس فرستاده شد تا از آنجا فعالیتهای محرمانه را در اروپا سازماندهی کند. او همچنین مأمور مذاکره با غرب در مورد گروهانهای لبنانی می شود و به آزادی رودولف کوروس گروگان آلمانی حزب الله لبنان، طرفدار ایران، کمک شایانی می کند.

طبق اطلاعات (شاهد C)

۱ نقشه های ترور

که در (کمیته عملیات ویژه) تصویب می شود برای دولت و پارلمان ایران جنبه قانونی دارد. از آنجا که ترور فاسلو، که به دستور خمینی انجام شد، نتایج دلخواه را نداشت، دستور ترور جانشین وی صادر شد. اطلاعات این شخص با اطلاعات سرویس های

امنیتی آلمان در مورد ترور میکونوس کاملاً همخوانی دارد. در فوریه ۹۶ به (شاهد C) خبر می رسد که حکم قتل وی صادر شده و قرار است در تصادف کامیون به قتل برسد. او به پاکستان می گریزد و از آنموقع از خانواده خود بی خبر است.

پس از خواندن مطالب اشپیگل رئیس دادگاه از حاضران خواست نظر بدهند.

دادستان گفت ما این کار اشپیگل و این افشای زندگی شاهد را محکوم می کنیم. این کار می تواند در شهود دیگری که بخواهند هویتشان مخفی بماند ایجاد ترس کند. (شاهد C) شب سیزدهم اکتبر با من تماس گرفت و ابراز نگرانی کرد ولی گفت در دادگاه حاضر می شود.

دو تن از وکلای شاکیان خصوصی گفتند ما افشای اطلاعات را محکوم می کنیم. ما از قبل گفته بودیم که در دست داشتن این اطلاعات توسط دارایی که جاسوس دولت ایران است در دراز مدت برای شاهد خطرناک است. نقطه ضعف دادگاه برای مخفی کاری حضور دارایی است.

وکیل دیگر گفت امکان دارد افشای اطلاعات از طریق (ب.ک.ا) (پلیس فدرال آلمان) صورت گرفته باشد. سپس رئیس دادگاه اعلام کرد: ما این کار اشپیگل را محکوم می کنیم. شهادت شاهد، ادامه خواهد یافت. شهادت (شاهد C) در روز جمعه ۱۷ اکتبر پایان یافت. پنجشنبه ۲۴ اکتبر / ۲ آبان

در مورد اعلام هویت (شاهد B) صحبت شد. وکلای متهمان خواستند پرونده پنهانگی این شاهد به دادگاه ارائه شود. دادگاه تصمیم گرفت نام این شاهد اعلام نشود. قرار شد تصمیم دادگاه در مورد پرونده وی بعداً اعلام شود. سپس (شاهد B) به دادگاه آمد و گفت:

- من در فرودگاه مهرآباد تهران در محل مخصوص اعضای برجسته دولتی کار می کردم. این افراد از این محل و بدون کنترل وارد یا خارج می شدند. من دو یا سه بار دارایی را در این محل دیدم. زمان آن را نمی توانم بگویم چون باعث شناخته شدن هویت من می شود.

شاهد اضافه کرد که من خانواده بنی هاشمی را می شناسم، پنج دختر و پسر دارند که دارای مقامات مذهبی و دولتی هستند.

عبدالوحید بنی هاشمی با نام عبدالشریف در ترور میکونوس شرکت داشته است.

(شاهد B) روز ۷ نوامبر نیز در دادگاه حاضر شد اما مطالب جدیدی را مطرح نکرد.

در این جلسه رئیس دادگاه گفت ارائه مدارک و حضور

شهود به پایان رسیده است و از سه شنبه آینده، ۱۲ نوامبر / ۲۲ آبان دادستان کیفرخواست نهایی خود را قرائت خواهد کرد.

سه شنبه ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶

رئیس دادگاه اعلام کرد که دادستانی کل می تواند کیفرخواست نهائی خود را قرائت کند.

برونو یوست، دادستان عالی فدرال، با مقدمه ای کیفرخواست خود را شروع کرد، او اعلام کرد:

از بسیاری لحاظ این دادگاه يك دادگاه معمولی نبود. در این دادگاه علاوه بر متهمین می بایستی علائق يك

دولت یعنی دولت ایران را نیز برای این ترور در میگونوس نیز مورد بررسی قرار داد. ما مجبور شدیم

که شاهدین بسیاری را دعوت کنیم. اینکه ما آقایان گنجی و بنی صدر را به دادگاه دعوت کردیم مسئله

عجیبی نبود، عجیب ولی دخالتهای بدون وقفه دولت ایران در این دادگاه بود. دولت ایران به وسیله وزیر

امور خارجه اش و سفیرش در آلمان عملاً دادگاه را تهدید کردند. دولت ایران به هر وسیله ای دست می

زند که از آوردن نامش در حکم این دادگاه بعنوان مسنول ترور در میگونوس جلوگیری شود و این دقیقاً

کاری که دادگاه بایستی انجام دهد یعنی آوردن نام دولت ایران و مسنولانش به عنوان مسنولین ترور سال

۹۲ در برلن. این دادگاه نه کمتر و نه بیشتر يك دادگاه جنائی است ولی حکم آن يك حکم سیاسی است. شاید

بتوان امیدوار بود که با این حکم از بروز چنین جنایاتی در آینده در دیگر کشورها جلوگیری شود.

سپس دادستان عالی، رولاند گنورگ، به تفصیل در مورد نقشه ترور، افراد شرکت کننده، علائق ایران بر

این ترور، دستور خمینی برای ترور قاسملو و دستور خامنه ای برای ترور شرفکندی صحبت کرد. ولی گفت

این ترور در «کمیته عملیات ویژه»، یکی از بالاترین ارگانهای دولتی ایران، پس از فتوای مذهبی علی خامنه

ای، به تصویب رسیده است و برای اجرا به علی فلاحیان محول شده است. در این کمیته، علی خامنه ای،

رفسنجانی، ولایتی، محسن رضانی، رضا سیف الهی، حجازی، آیت الله خزعلی، علی فلاحیان، بنا به مقامشان

عضویت دارند. دادستان سپس مفصل در مورد شرکت متهمان عیاد و عقدیس در جریان آمادگی قتل

صحبت کرد و آنها را مجرم دانست. پنجشنبه ۱۴ نوامبر ۱۹۹۶

در این روز دادستان عالی، برونو یوست، در مورد شرکت سه متهم امین، دارابی و رائل در ترور صحبت

کرد. صحبتهای اولیه امین را معتبر دانست، زیرا با این اطلاعات آنها توانستند جریان ترور را بازسازی کنند،

اطلاعات جدید بدست آوردند، و اطلاعات سابقشان با

این اطلاعات تکمیل شد. وی شرکت امین و رائل را در ترور صد در صد دانست، اثر دست رائل بر روی اسلحه کمری پیدا شده و با اظهارات امین، خانه های تیمی، و متهمین يك به يك شناسائی شدند.

جمعه ۱۵ نوامبر ۱۹۹۶

در این روز دادستان عالی، برونو یوست، در مورد شرکت دارابی صحبت کرد، نقش او در تدارک ترور،

رابطه اش با مأموران امنیتی ایران، سابقه او به عنوان مسنول حزب الله و... وی گفت مدارک سازمانهای

اطلاعاتی تا زمانیکه این اطلاعات با دیگر مدارک یعنی شاهدین و مدارک دیگر تکمیل نگردند، قابل رجوع

نیستند، در این دادگاه ولی تمامی اطلاعات سازمانهای اطلاعاتی درست بودن خود را نشان دادند. وی سپس

به تفصیل در مورد ماهیت تروریسم دولتی این ترور صحبت کرد، اطلاعات سازمانهای اطلاعاتی، شاهد

منع C که کمی در را بر روی این ماشین ترور در تهران باز کرد و... با توجه به مسائل فوق برای

دادستانی کاملاً مسلم است که دولت ایران در این ترور نقش اصلی را بازی کرده است. و این بایستی در حکم

دادگاه بیاید. پس از آن برای متهمین دارابی و رائل تقاضای حبس ابد شد. برای امین ۱۱ سال زندان،

برای عقدیس ۵ سال و ۲ ماه و برای ایاز ۵ سال حبس. پنجشنبه ۲۱ نوامبر ۱۹۹۶

پس از شروع جلسه دادگاه وکیل خانواده عبدی، اریک، دادخواست خود را قرائت کرد:

وی در ابتدا به دخالتهای دولت ایران و رأی دادگاه پرداخت. سپس تهدیدهای سفیر ایران در آلمان و وزیر

امور خارجه ایران را برشمرد، و به حوادث چند روز گذشته، پس از قرائت کیفرخواست دادستانی کرد و

عکس العمل دولت ایران را ذکر نمود. وی گفت کیفرخواست دادستان حاوی به دلایل غیر قابل انکاری

هستند که همگی در دادگاه مطرح شده اند و به عنوان يك سند درخشان قابل دفاع و تقدیر است. دولت

تروریستی ایران می خواهد با زور و باج خواهی و تحت فشار قرار دادن دولت آلمان و دادستانی و دادگاه عملاً

مقامات قضائی را مجبور کند که حرفهای خود را پس بگیرند. مسنولین دولت ایران می خواهند با زور و

تروریسم عملاً در رأی دادگاه تأثیر گذارند، با این فناتیسم مذهبی بایستی با قاطعیت مبارزه کرد. وی کم

کاری و محافظه کاری دولت آلمان را تقبیح کرد و گفت دولتی که نتواند از مسنولین قضائی خود دفاع کند و

بر استقلال آنها به صراحت تأکید کند، بایستی سرزنش شود. وی دلایل تروریسم دولتی و برنامه

ریزی ترور میگونوس از طرف سازمان امنیت ایران که در دادگاه ارائه شده و اثبات شده اند را در ۱۵ مورد

برشمرد.

وی متهمین امین، دارابی و راحیل را به خاطر شرکت در قتل مجرم دانست و دو تن دیگر را شریک جرم.

وی در مورد جرائم این ۲ تن بطور مفصل توضیح داد و گفت:

جاسوس بودن دارابی در دادگاه ثابت شده است، وی مأموریت داشته که افراد لازم را برای ترور

انتخاب کند، وی از حلقه حزب الله اطراف خود مطمئن ترین ها را انتخاب کرده، خانه های امن، پول و وسائل

را در اختیار آنها قرار داده است. وی گفت ذکر نام دولت ایران به عنوان عامل این ترور وحشیانه، که در

دادگاه ثابت شده است غیر قابل چشم پوشی است. وی در مورد خاننی که جلسه ۱۷ سپتامبر را به مقامات

اطلاعاتی ایران اطلاع داده است گفت با اطلاعاتی که تا امروز داریم بیش از يك نفر و بیش از دو نفر در

معرض اتهام قرار دارند. سپس اتوشیلی، وکیل خانواده شرفکندی سخنان خود

را آغاز کرد و گفت:

در زمانی که ۴ تن از اتباع ایرانی در جریان میگونوس به قتل رسیدند دولت ایران هیچ توجهی به این مسننه

نداشت، تنها از هنگام دستگیری متهمین است که دولت ایران به این مسننه توجه نمود و آن هم برای کمک

به متهمین، جلوگیری از کار دادگاه و خرابکاری در آن. جریانات چند روز گذشته نشان می دادند که دولت

ایران در جریان ترور دست داشته و با این اعمال می خواهد ترس و رعب ایجاد کند. آنچه دادستانی آلمان

انجام داده است تنها این است که افراد را به نامشان خوانده است، با این کار رابطه ملتهای ایران و آلمان

خدشه دار نمی شود، بلکه تنها دست کسانی رو می شود که رهبران يك دولت تروریستی هستند و مخالفان

خود را به نام دین از بین می برند. سفارتخانه ای که ترور مخالفین را برنامه ریزی کرده و به اجرا می گذارد

باید تعطیل کرد.

آخرین سخنران این روز، اکسل یشکه، وکیل دیگر خانواده شرفکندی بود که گفت:

در این محاکمه، بی شك متهمین محکوم خواهند شد و من در این تردید ندارم. مسئله اصلی اما، عامل پشت

پرده این ترور است. بدون ذکر این عامل حکم محتوای خود را از دست می دهد، زیرا انگیزه متهمین که

قربانیان خود را نه می شناخته اند و نه در ارتباطی با آنها بوده اند، ناگفته می ماند. بازماندگان شرفکندی،

در پی انتقام نیستند، بلکه تنها می خواهند جنایتکاران به نام خوانده شوند، و اگر نام دولت ایران به عنوان عامل در حکم ذکر نشود عملاً دست این دولت برای ترورهای بعدی گشوده است.

جمعه ۲۲ نوامبر ۱۹۹۶

آخرین وکیل شاکبان خصوصی، ویراند، وکیل خانواده، سخنان خود را قرائت کرد:

وی بر نقش متهمین در این ترور تأکید کرد و اعلام کرد امین، دارایی و راحیل در قتل شرکت داشته اند و عیاد و عقیدیس شریک جرمند، و دلائل خود را در این باره به طور مفصل اظهار داشت.

سپس به نقش دولت ایران و تروریسم دولتی پرداخت و تأکید کرد، که بدون ذکر نام تروریسم دولتی ایران حکم ناقص خواهد بود. سپس شرحی از زندگی نوری دهکردی گفت و در پایان اضافه کرد:

که در زمان شهادت عزیز غفاری، صاحب رستوران، من و همکارم اریگ بیش از هر کسی به او مضمون بودیم و به همین جهت سنوالات انتقادی تندى از او نمودیم، اما امروز می توانم بگویم بنا بر آنچه تا کنون طی جریان دادگاه روشن شده است، ما هیچ مدرکی مطمئن برای شک خود نداریم. بخصوص این که عزیز غفاری در جریان ترور در رستوران بوده، زخمی شده و تأثیرات آنرا تا آخر عمر همراه خواهد داشت و تنها نیز مانده است.

### بنی صدر در گفتگو با «خبرنامه»

#### پیامد دادگاه سلب مشروعیت رژیم است

شهادت آقای ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهور سابق ایران، در دادگاه میکونوس برلین، تأثیر زیادی بر روند کار این دادگاه گذاشت، آقای بنی صدر در روزهای ۲۲ و ۲۳ اوت ۹۶ / اول و دوم شهریور ۷۵، به عنوان شاهد در دادگاه حاضر شد و ضمن شرح مفصلي درباره ساختار و عملکرد سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی ایران، گفت که دستور ترور مخالفان در «شورای عملیات ویژه» بررسی می شود و بعد از تأیید خامنه ای و رفسنجانی، برای اجرا در اختیار علی فلاحیان قرار می گیرد.

بعد از ادای این شهادت، آقای بنی صدر در گفت و گویی با «خبرنامه» کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی» در پاسخ این که آیا اطلاعات جدیدی دارید؟ گفت:

حالا دیگر اطلاعات جدید به درد دادگاه نمی خورد برای اینکه دادگاه وارد آخرین دفاع شده است. با این حال رژیم مرتب مشغول کارشکنی است و سعی می کند مدارکی مبنی بر بیگناهی خود ارائه دهد. بعد از قرائت کیفرخواست آنها هیاهوی زیادی راه انداختند و رفتند جلوی سفارت آلمان و سنگ و تخم مرغ و گوجه فرنگی به در و دیوار آن زدند. آنها می گویند این که در کیفرخواست خامنه ای و رفسنجانی متهم شده اند توهین به مقدسات است. من در دادگاه هم گفتم اینها به جای همه این کارها به دو سنوال جواب بدهند اول اینکه آیا قتل سیاسی در اسلام جایز است یا نه؟ آیا

قتل سیاسی را هر کسی سر خود می تواند انجام بدهد یعنی اگر شخصی دیگری را واجب القتل بدانند می توانند برود او را بکشند یا نمی توانند؟ اگر نمی توانند آیا کس دیگری غیر از رهبر می تواند دستور قتل بدهد یا خیر؟ این سئوالها را جواب بده آقا، دیگر این همه داد و قال ندارد. اگر حکم اسلام اجرا شده خوب بگویند این را. اگر شما این کار را نکردید چرا اینقدر هیاهو می کنید؟ در دادگاهی در آلمان، دادستانی یک ادعای نام علیه شما خوانده، شما این را تبدیل کردید به یک مسئله بین آلمان و ایران و گفتید آلمان باید این توهین را جبران کند. حالا در این دادگاه روشن شد که اینها قاتل هستند. اگر حکومتی هیچ دخالتی در این کارها نداشت و نمی دانست کی رفته کی را کشته احتیاجی به این کارها نبود نه اینکه تازه بعد از اینهمه سال که از جنگ گذشته به یاد این بیفتد که آلمان اسلحه شیمیایی فروخته به عراق، پس باید محاکمه بشود. اینهمه سال هزاران بدبختی را که قربانی جنگ شدند فراموش کرده بودید؟

خود اینها چطور جنگ می کردند اگر آقای گشنر به آنها اسلحه نمی داد؟ من که خودم فرمانده قوا بودم می دانستم که ما اسلحه نداشتیم، مهمات نداشتیم ولی اینها هشت سال جنگ کردند. با کدام اسلحه؟ با کدام مهمات؟ با اجازه و امضای آقای گشنر کارخانه های اسلحه سازی آلمان به ایران اسلحه می فروختند. حالا باید به خاطر فروش اسلحه شیمیایی به عراق محاکمه بشوند؟

اگر بنا به محاکمه باشد صدام حسین و رژیم ملاها و بسیاری از حکومتهای غربی باید به عنوان جنایتکاران جنگی محاکمه بشوند برای اینکه دو ملت ایران و عراق را هشت سال در جنگ نگهداشتند.

آقای بنی صدر در اینجا به مسئله مفقود شدن فرج سرکوهی اشاره کرد و گفت:

- چرا درست در هنگامه ارائه کیفرخواست دادستان دادگاه میکونوس، آنها فرج سرکوهی را که عازم آلمان بود ربودند، و بعد هم در تبلیغاتشان مدام می گویند که آلمان محرک و مشوق نویسنده های غریزه است و سرکوهی هم یکی از آن غریزه هاست؟

رئیس جمهور سابق ایران در مورد اطلاعاتی که به دادگاه ارائه داده است گفت: از ده سال پیش به این طرف ما اطلاعات جمع کرده ایم و حاضر بودیم آن را به دادگاه بختیار [در پاریس] هم بدهیم ولی آنها [دادستان] وقتی از ما اطلاع خواستند که دادگاه کارش را تمام کرده بود. این بار، دادستان آلمان خواست که آن اطلاعات را داشته باشد و در نتیجه پرونده در اختیار

او قرار گرفت. بر اساس آن تحقیقات، یک رشته اطلاعاتی که دولت آلمان حاضر نبود در اختیار دادگاه بگذارد برای دادگاه روشن شد. حالا ظاهراً دادگاه غیر از این که کیفرخواست را تأیید کند راهی ندارد. یعنی یا باید بگوید اصلاً شتر دیدی ندیدی، این سه سال محاکمه هم باد هوا بود و یک احکامی صادر کند کم و بیش مثل همین دادگاه پاریس که برای بختیار درست کرده بودند. البته من می گویم که خوشبختانه رژیم ایران راه اینکار را بسته است. آنقدر شلوغ کرد و هیاهو راه انداخت که دیگر دستگاه قضایی آلمان و دولت آلمان و ملت آلمان نمی توانند چشمشان را ببندند و اینهمه اطلاعات و شواهد و مدارک را نادیده بگیرند. این اطلاعات کار خودش را کرده و دیگر هیچ چیز مبهم نیست، پس رأی دادگاه هرچه باشد. مهم این است که دادستان که به اصطلاح نماینده دستگاه قضایی آلمان است گفته است اینها قاتل اند... مهمترین پیامد آن، سلب مشروعیت رژیم در افکار بین المللی است. از این پس هیچ حکومتی نمی تواند به ما [مخالفان] بگوید دلایل شما چیست؟ مدارک شما کجاست؟ اینها همه ثابت شده است حالا یک دادگاهی می گوید اینها قاتل اند. حالا دیگر نیروهای مخالف و مستقل ایرانی خیلی روشن تر و محکم تر می توانند با این حکومتهای اروپایی صحبت کنند و بهتر می توانند رژیم را در اذهان مردم رسوا کنند...

ابوالحسن بنی صدر در مورد فشارهایی که دولت ایران می خواست بر دادگاه وارد کند گفت:

- در این که همکاری وجود داشته بین حکومت آلمان و رژیم ملاتاریا در قضیه دادگاه، من هیچ تردیدی ندارم. درست است که آقای اشमित باوئر دو هفته پیش در یک مصاحبه تلویزیونی گفته که «اگر ما [دولت آلمان] اینها را نمی گرفتیم نه دادگاهی در بین بود و نه افشاگری...» ولی به نظر بنده حالا هم حکومت آلمان یعنی قوه اجرایی همسوست با رژیم به دو دلیل یکی به خاطر روابط اقتصادی آشکار و علنی که با آنها دارد و یکی هم به خاطر ترس از فشارهایی که دولت ایران می تواند بیاورد به آلمان، ترس از گروگان گرفتن و... مثلاً یک روز رفتند دم سفارت آلمان و گفتند اینجا لانه جاسوسی دوم است، اینها فشار است... و حالا دادستان دادگاه میکونوس در واقع دارد دو کار انجام می دهد یکی بیان حقیقت و دیگر دفاع از استقلال قوه قضایی کشور خودش در برابر فشارهای داخلی و خارجی.

نشانی کمیته:  
(C. I. C. R. E. T. E.)  
42, rue MONGE  
75005 PARIS - FRANCE  
FAX (33-1) 43 44 14 52

شماره حساب پستی برای کمکهای مالی:  
C. C. P.  
3943263 W LA SOURCE  
FRANCE